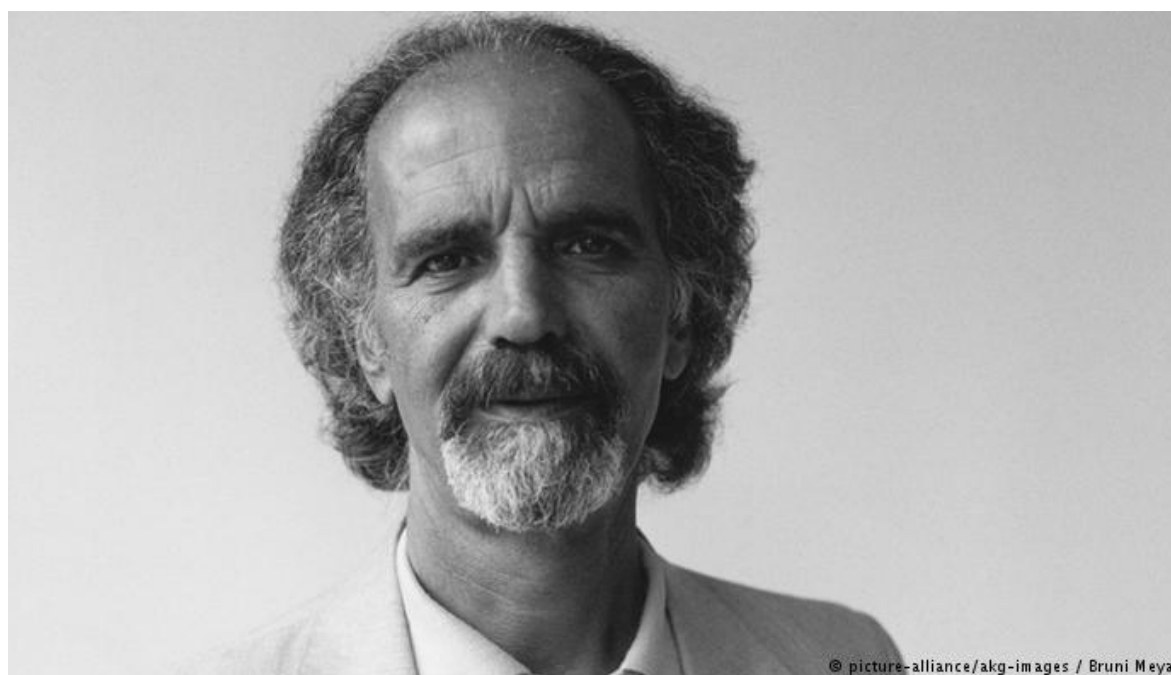


کتاب و ادبیات

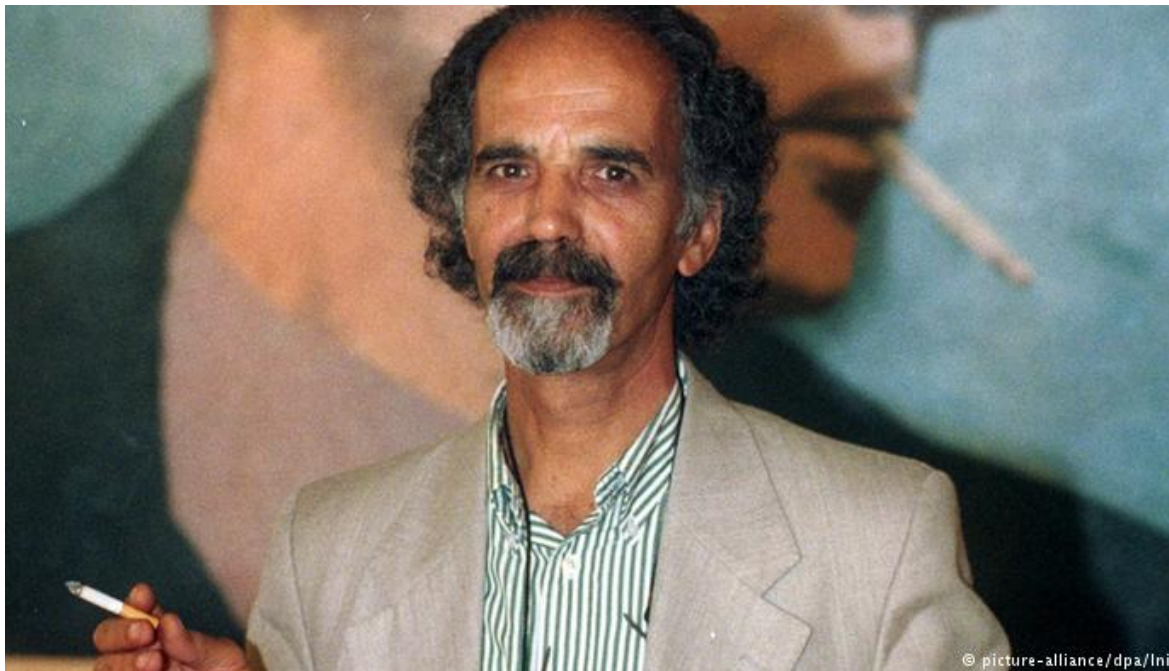
پانزدهمین سالگرد خاموشی هوشنگ گلشیری، خالق "شازد احتجاب"

شانزدهم خرداد ۱۳۹۴ پانزده سال از درگذشت نابهنگام هوشنگ گلشیری می‌گذرد؛ نویسنده‌ای که حتا شماری از مخالفانش بر خالی ماندن جایش اذعان دارند و فقدانش خلایی عظیم در زندگی ادبی و فرهنگی ایرانیان برجا گذاشت.

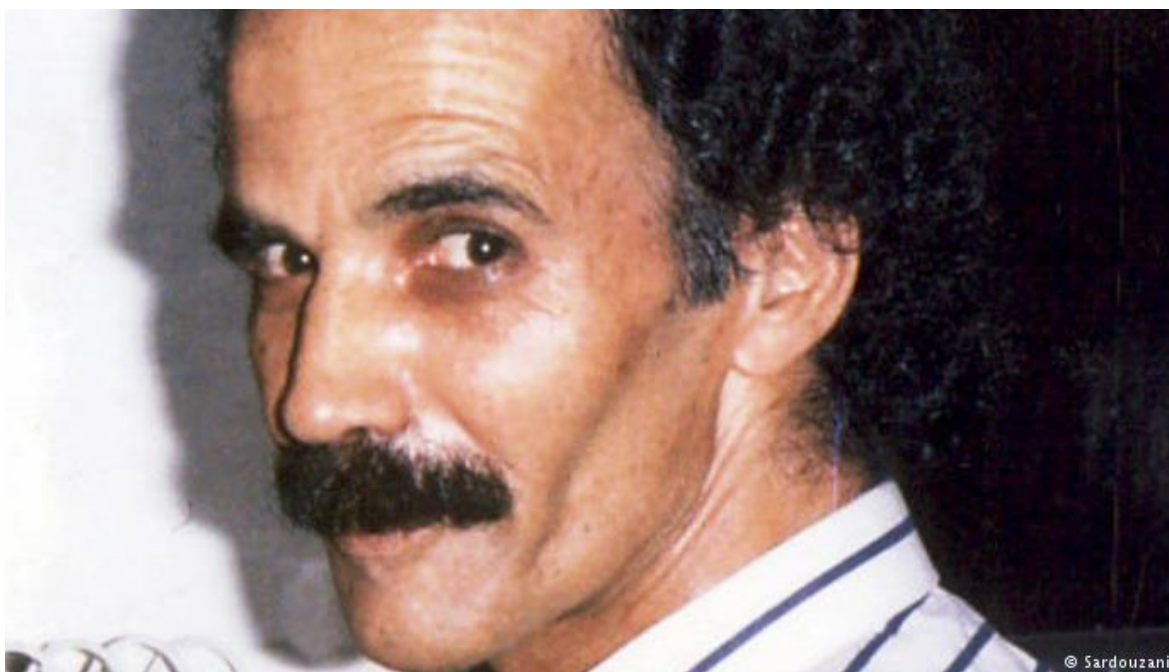


© picture-alliance/akg-images / Bruni Meya

هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. او در سال ۱۳۳۸ در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان تحصیلات خود را آغاز کرد و و شروع کار ادبی او نیز با گردآوری فولکلور مناطق اصفهان بود. او در همان دوران نیز با انجمن ادبی صائب همکاری داشت.



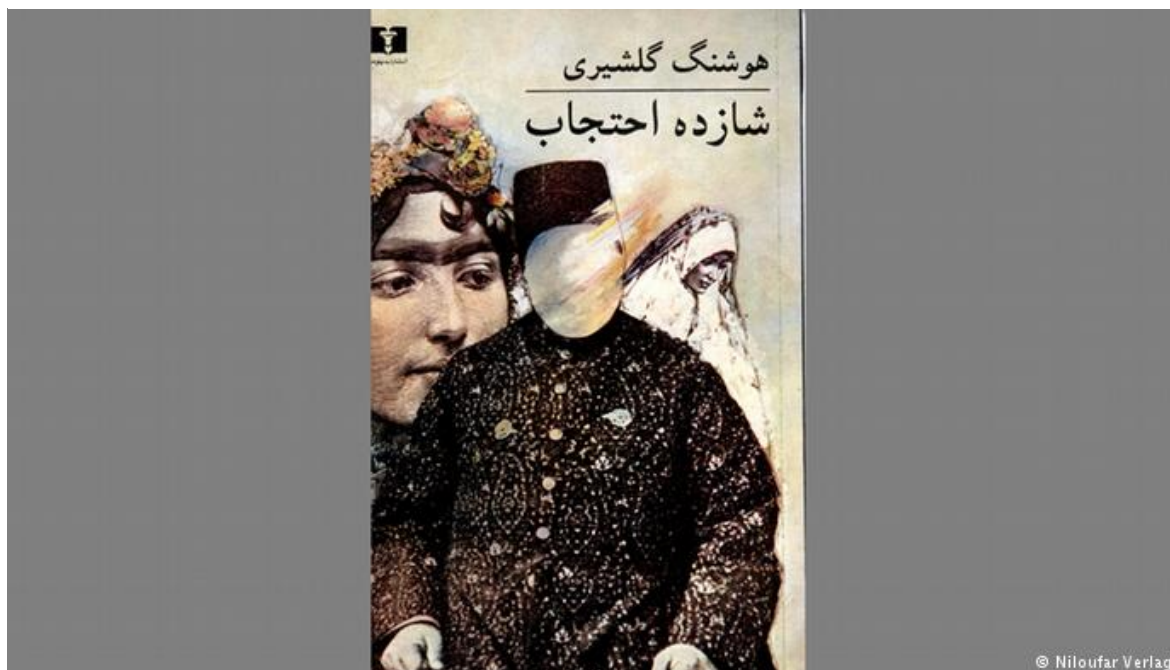
هوشنگ گلشیری در سال‌های ۵۹ و ۶۰ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تدریس می‌کرد و در تصفیه‌های موسوم به انقلاب فرهنگی اخراج شد. او در دهه‌ی شصت خورشیدی محور نشست‌هایی بود که به جلسات پنج‌شنبه‌ها معروف است. شماری از مطرح‌ترین داستان‌نویسان امروز ایران در آن به داستان‌خوانی و نقد ادبیات می‌پرداختند. بسیاری از آنان امروز در خارج از کشورند و بیشتر کتاب‌هایشان اجازه انتشار ندارد.



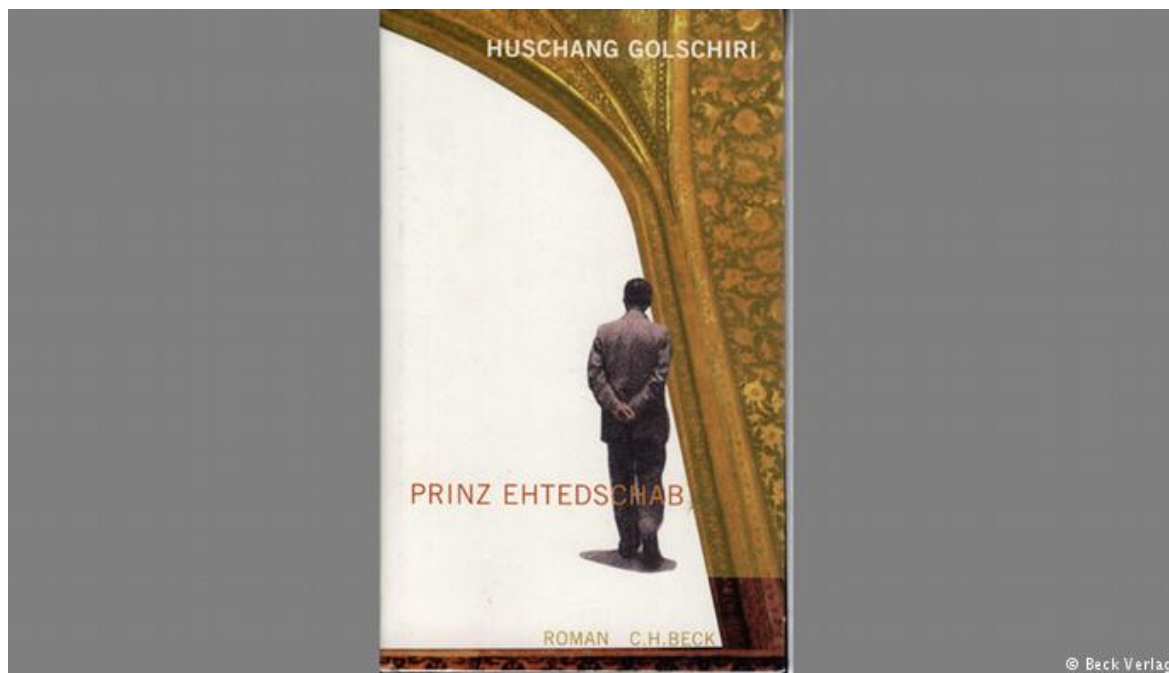
هوشنگ گلشیری از سال‌های جوانی با نشریه‌های مختلف همکاری داشت و دو سال آخر عمرش سردبیر "کارنامه" بود. در دهه‌ی هفتاد شمسی مقاله‌نویسی و همکاری او با مطبوعات، در کنار فعالیت‌های کانون نویسندگان، بخش اصلی وقت و انرژی گلشیری را به خود اختصاص می‌داد و او را از داستان‌نویسی بازمی‌داشت.



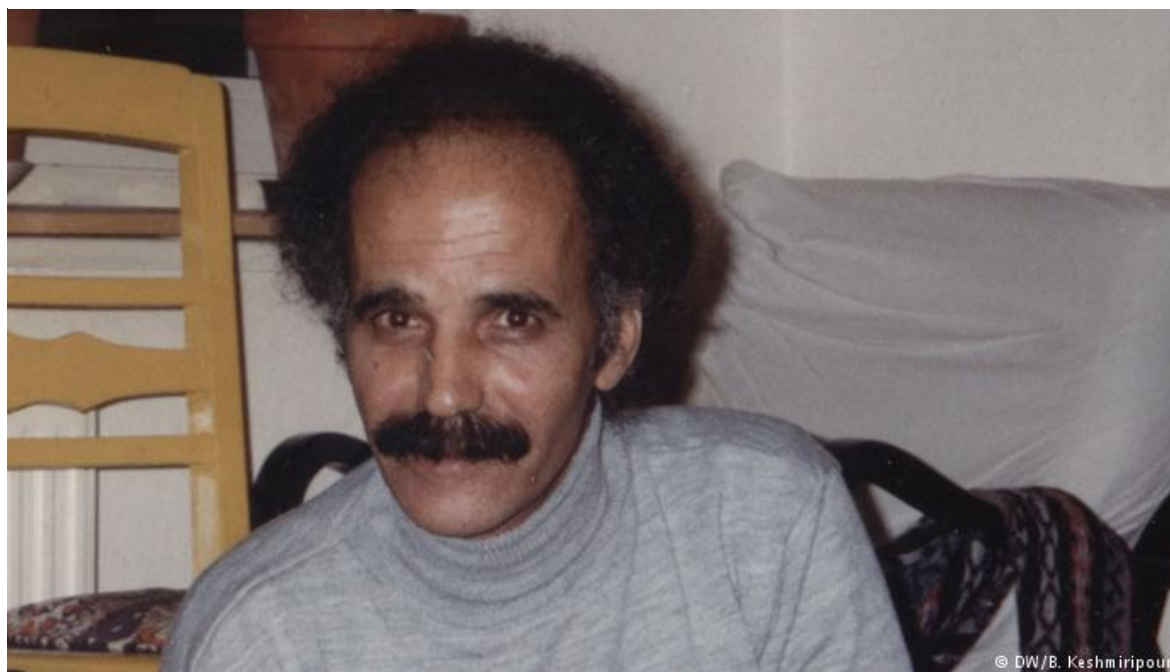
نخستین آثار گلشیری به صورت کتاب در اواخر دهه‌ی چهل منتشر شد: مجموعه داستان «مثل همیشه» (۱۳۴۶) و رمان «شازده احتجاب» (۱۳۴۸) از نخستین آثار او بودند که به ویژه دومی جایگاه او را به عنوان یکی از مطرح‌ترین نویسندگان پیشرو ایران تثبیت کرد. این اثر تا سال ۵۷ به چاپ هفتم رسید. طرح روی جلد چاپ هفتم "شازده احتجاب" که توسط انتشارات ققنوس منتشر شد.



نهمین چاپ "شازده احتجاب" در بهار ۷۰ آماده شد اما حدود یک دهه، تا سال مرگ نویسنده اجازه پخش نداشت. در سال ۱۳۸۴ انتشارات نیلوفر امکان آن را یافت که چاپ چهارم آن را به بازار عرضه کند. "شازده احتجاب" روایت فروپاشی نظام شاهی و خانی در سنت فرهنگی ایران است. تصویر: جلد "شازده احتجاب" آنگونه که با طرح انتشارات نیلوفر منتشر شده است.



بسیاری از منتقدان ادبی "شازده احتجاب" را رمان کوتاه و شماری آن را داستان بلند خوانده‌اند. این کتاب مشهورترین، و به تعبیر نویسنده "خوش‌اقبال‌ترین"، اثر گلشیری است. این کتاب به زبان‌های دیگر از جمله آلمانی نیز ترجمه شده است. انتشارات "بک" که از مؤسسات انتشاراتی معروف در آلمان است، "شازده احتجاب" را به زبان آلمانی عرضه کرده است. این انتشارات مجموعه‌ای از داستان‌های گلشیری را نیز به انتشار رسانده است.

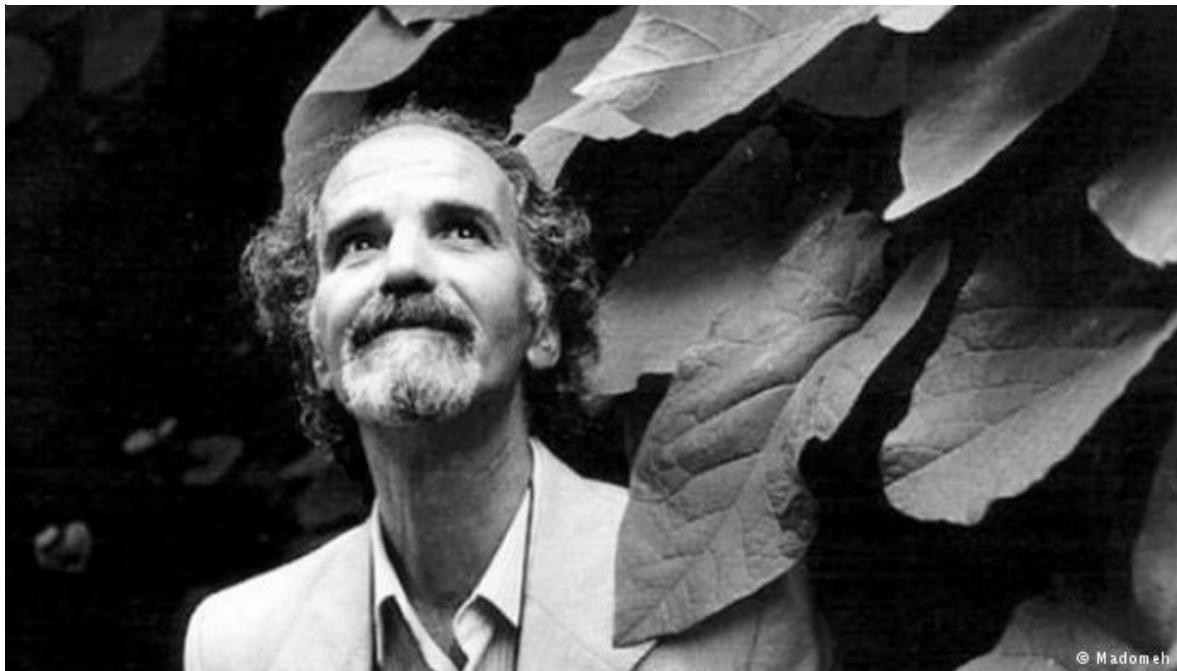


آشنایی هوشنگ گلشیری با ابوالحسن نجفی، زبان‌شناس و مترجم نامدار در سال‌های ابتدایی دهه‌ی چهل خورشیدی و در همکاری با یک محفل ادبی آغاز شد که بعدها با نام نشریه‌ی «جنگ اصفهان» که منتشر می‌کرد، شهرت گرفت. نجفی، گلشیری و محمد حقوقی سه رکن اصلی این محفل به شمار می‌روند. بسیاری معتقدند، این محفل از جدی‌ترین و پیگیرترین جمع‌های ادبی آن دوران بوده و در عرصه‌ی داستان‌نویسی مدرن ایران نقشی برجسته داشته است.



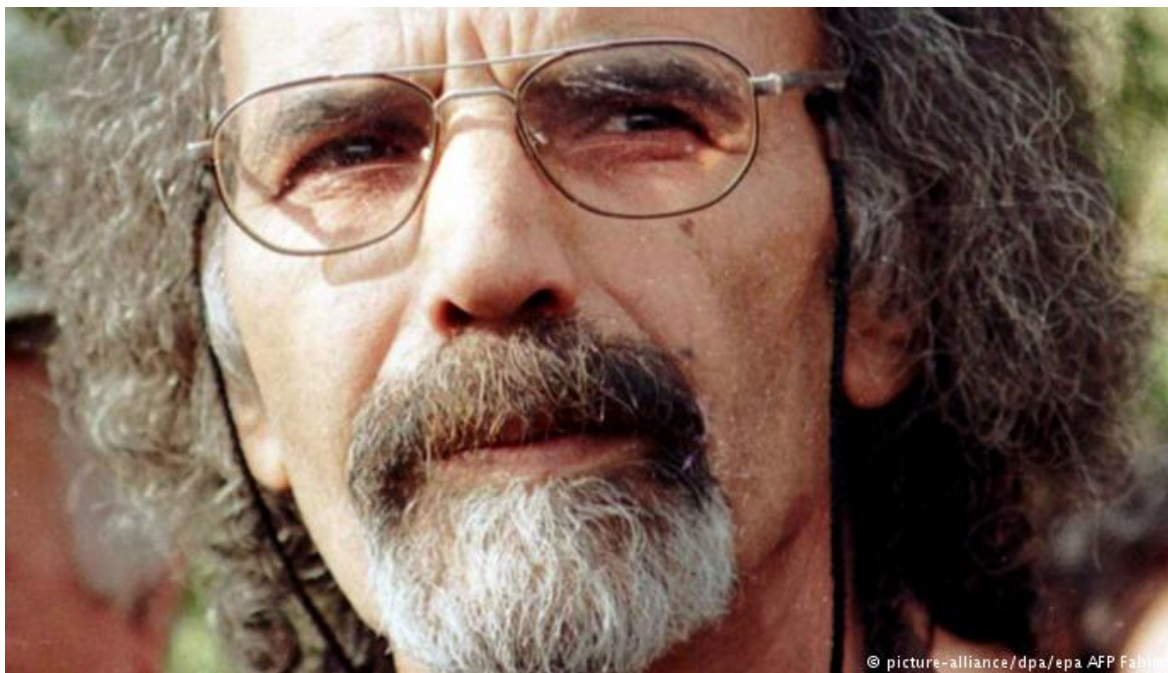
© DW/B. Keshmiripour

در جمهوری اسلامی سرنوشت دیگر آثار گلشنیری نیز کمابیش مانند سرنوشت "شازده احتجاب" بوده است؛ یا اصلاً اجازه انتشار نگرفته‌اند، یا جلوی تجدید چاپ آنها گرفته شده است. از گروه اول، می‌توان به مجموعه داستان "پنج‌گنج"، داستان بلند "شاه سیاه‌پوشان" و رمان "جن‌نامه" اشاره کرد که در خارج از کشور منتشر شده‌اند؛ دو کتاب آخر توسط نشر باران در سوئد.

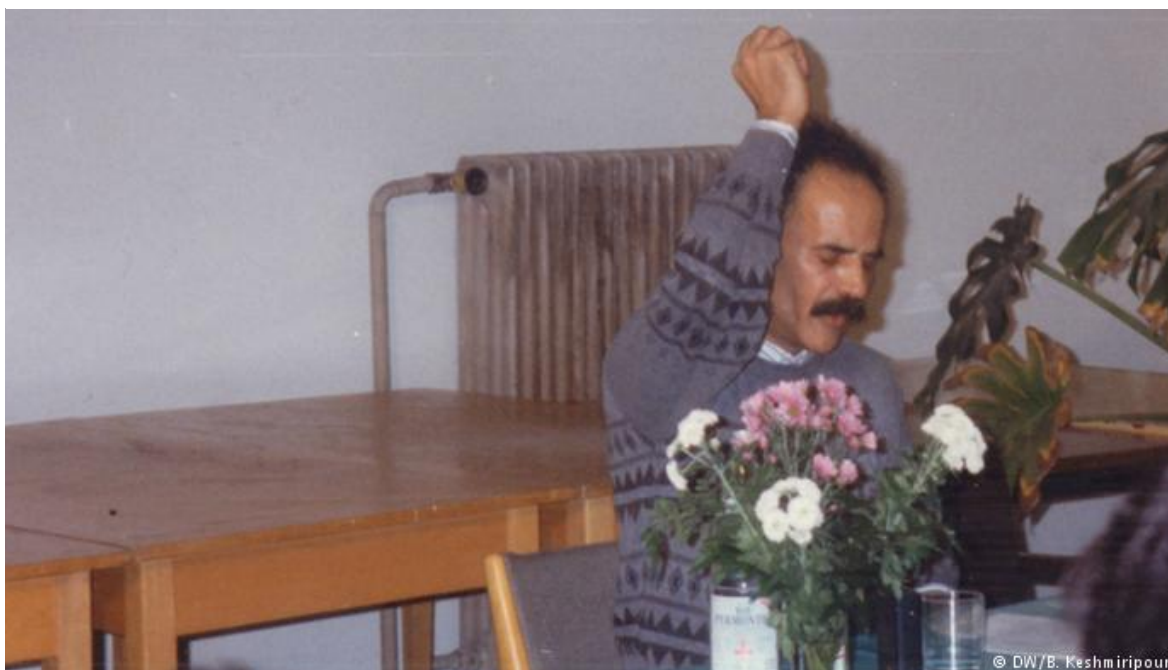


© Madomeh

به رغم بلاهایی که بر سر انتشار کتاب‌های گلشنیری آمده، او از ابتدای دهه پنجاه خورشیدی در اصفهان و چند سال بعد در تهران سهم مهمی در انتشار شماری از مهم‌ترین نشریات ادبی و شکل‌گیری محفل‌ها و جلسه‌های داستان‌خوانی و کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی داشته است.



نقش گلشیری در جریان‌سازی ادبی و فرهنگی، به ویژه تلاش‌های او و تعدادی دیگر از اهل قلم برای احیای کانون نویسندگان ایران را می‌توان از دیگر علت‌های ناخشنودی مسئولان جمهوری اسلامی و فشارها و محدودیت‌های تحمیل شده بر این نویسنده دانست. تلاش‌ها برای فعال کردن کانون نویسندگان در نیمه دوم دهه ۶۰ خورشیدی گسترش یافت و در ابتدای دهه ۷۰ با تشکیل "جمع مشورتی" که گلشیری هم در آن عضو بود، وارد مرحله جدیدی شد.



جمع مشورتی در سال ۷۳ متنی با عنوان "ما نویسنده‌ایم" را که به نامه ۱۳۴ نویسنده هم معروف است، در اعتراض به سانسور و حمایت از آزادی اندیشه، بیان و نشر تهیه و منتشر کرد که در داخل و خارج بازتاب وسیعی داشت. انتشار این نامه نخستین حرکت جمعی نویسندگان دگراندیش و غیرحکومتی پس از متلاشی کردن کانون و قتل شماری از اعضای آن در سال‌های نخست پس از انقلاب محسوب می‌شود.



یکی از این قربانیان محمد مختاری بود که ماموران اطلاعاتی ۱۲ آذر او را ربودند و پیکر بی‌جان‌ش نزدیک یک هفته بعد در سردخانه پزشکی قانونی توسط بستگانش شناسایی شد. گلشیری در مراسم خاکسپاری مختاری در گورستان امامزاده طاهر (تصویر) گفت، قتل فجیع او در ضمن پیامی به دیگر روشنفکران فعال است که اگر از فعالیت دست نکشند، سرنوشت مشابه‌ای در انتظار آنان خواهد بود.



هوشنگ گلشیری در روز ۱۶ خرداد ۷۹ پس از دو ماه بستری بودن در بیمارستان‌های مختلف تهران به علت آنچه "آبسه ریوی، ایجاد مننژیت و آبسه‌های متعدد مغزی" تشخیص داده شده، در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ایران‌مهر درگذشت و چند قدم دورتر از محمد مختاری در گورستان امامزاده طاهر به خاک سپرده شد.



چند روز پس از مرگ گلشیری بنیادی به نام او تشکیل شد. فرزانه طاهری (تصویر)، مترجم و همسر گلشیری، علی‌اشرف درویشیان و محمود دولت‌آبادی و بهمن فرمان‌آرا هیئت مؤسس آن را تشکیل می‌دهند. گلشیری در ماه‌های پایان عمر در فکر راه‌اندازی یک جایزه ادبی سالانه برای آثار برتر ادبیات داستانی بود و بنیاد، از جمله برای تحقق این فکر تشکیل شد و توانست این جایزه را نیز ۱۳ سال (آخرین بار در سال ۲۰۱۴) اهدا کند.